

## باسمه تعالی

- ۱..... خلاصه مباحث گذشته.....
- ۱..... حل مشکل مقدمات مفوته از منظر صاحب فصول.....
- ۱..... حل مشکل مقدمات مفوته از منظر مرحوم آخوند.....
- ۲..... تفصیل مرحوم نائینی در رابطه با حل مشکل مقدمات مفوته.....

**موضوع:** حل مشکل مقدمات مفوته / مقدمات مفوته / مقدمه واجب

## خلاصه مباحث گذشته

بحث در مقدمات مفوته بود. مقدماتی که اگر آنها را در زمان قبل از واجب اتیان نکنیم، واجب در زمان خودش فوت می شود. تا به حال برای حل مشکل مقدمات مفوته سه طریق گفته شد. راه حل مرحوم صاحب فصول و مرحوم آخوند و مرحوم نائینی بود. این سه طریق در نتیجه با هم متفاوت هستند.

## حل مشکل مقدمات مفوته از منظر صاحب فصول

طریق مرحوم صاحب فصول قول به واجب معلق بود. این قول می تواند مقدمات مفوته ای را تصحیح کند که مقتضای خطاب و ظاهر خطاب فعلیت وجوب و تاخر واجب باشد. مثلاً می تواند اغتسال جنب قبل از طلوع فجر را واجب کند چون ظاهر فَمِنْ شَهِدَ مِنْكُمْ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ فعلیت وجوب قبل از آمدن طلوع فجر است. می تواند تهیه مقدمات حج را بعد از استطاعت و قبل از موسم واجب کند. زیرا ظاهر و لله على الناس حج البيت من استطاع اليه سبيلا این است که وجوب فعلی است و واجب متأخر است. ولی در مواردی که خطاب نداریم مشکل هنوز باقی است. مثلاً ظاهر خطاب اذا زالت الشمس وجبت الصلاة این است که هنوز وجوب فعلی نشده است پس چگونه اراقه آب قبل از وقت جایز نباشد؟

## حل مشکل مقدمات مفوته از منظر مرحوم آخوند

طریق مرحوم آخوند نیز این گونه است. ایشان فرمود: حل مشکل منحصر به واجب معلق نیست بلکه با شرط متأخر نیز می توان مشکل را حل کرد. ایشان هم برای اثبات وجوب فعلی نیاز دارد که از خطاب وجوب بالفعل را استظهار کند. بعد فرمود: اگر یکی از مقدمات وجوب داشته باشد می توان کشف وجوب ذی المقدمه کرد و از وجوب ذی المقدمه کشف وجوب سائر مقدمات مفوته بشود. ولی باز در مواردی که نه ظاهر خطاب وجوب است و نه یکی از مقدمات هنوز وجوبش فعلی شده است تا به وسیله آن وجوب را حل کرد، مشکل هنوز باقی است.

این که قبلا به مرحوم آخوند نسبت دادیم که ایشان مشکل مقدمات مفوته را به وسیله وجوب شرعی یا عقلی حل کرده است، درست نیست. ایشان که بحث عقلی را مطرح کرده است در جایی است که بحث وجوب بالفعل ذی المقدمه است. یعنی وقتی ذی المقدمه وجوب فعلی پیدا کرد، سایر مقدمات هم یا عقلا واجب می شوند، اگر کسی وجوب شرعی مقدمات را قبول نداشته باشد و یا شرعا واجب می شود اگر کسی وجوب شرعی مقدمه را قبول داشته باشد. اما جایی که ما وجوب بالفعل نداریم، ایشان می گوید به حکم قاعده تبعیت نمی شود که وجوب مقدمه را تصحیح کرد. نه وجوب عقلی و نه شرعی مقدمه را نمی توان تصحیح کرد. لذا در مسئله اراکه آب هنوز اشکال باقی است. در این مورد این گونه نیست که قبل از وقت، کشف وجوب یکی از مقدمات بشود و بعد کشف وجوب ذی المقدمه بشود و از این طریق به وجوب مقدمات دیگری برسیم.

### تفصیل مرحوم نائینی در رابطه با حل مشکل مقدمات مفوته

مرحوم نائینی از راه غرض و تفویت واجب در ظرف خودش مشکل را حل کرد. این راه اوسع است و نیازی به احراز وجوب ندارد. ایشان قاعده تبعیت را قبول ندارد. اساسا ایشان می خواهد در فرضی که وجوب ذی المقدمه فعلی نشده است، مشکل را حل کند و بگوید مقدمه واجب است. ایشان مشکل را از راه حکم عقل حل می کند. و از حکم عقل به وجوب شرعی مقدمه می رسد. ایشان در مقام، تفصیلی را مطرح کرده است.<sup>۱</sup>

قدرتی که ما نیاز به آن داریم گاهی اوقات عقلی است و هیچ دخلی در ملاک ندارد و گاهی اوقات شرعی است و شارع قدرت را اخذ کرده است. در فرضی که شارع قدرت را اخذ کرده باشد دو قسم است. گاهی اوقات قدرت مطلقه را اخذ کرده است و گاهی اوقات قدرت خاصه را اخذ کرده است. در جایی که قدرت خاصه را اخذ کرده است، گاهی اوقات قدرت خاصه را بعد از تحقق شرط وجوب اخذ کرده است و گاهی اوقات قدرت خاصه در زمان واجب را اخذ کرده است. پس چهار صورت محقق شد.

صورت اول: این صورت، قدر متیقن واجب است. قدرت دخیل در ملاک نیست. یعنی قدرت باشد یا نباشد حج در موسم ملاک ملزم دارد. معنای قدرت عقلی این است که هیچ دخالتی در ملاک ندارد و شارع هم آن را در خطاب اخذ نکرده است. اگر قدرت، قدرت عقلی است، عقل می گوید: همان طوری که تفویت تکلیف مولا قبیح است، تفویت ملاک ملزم نیز قبیح است. قدرت بر استیفای ملاک حج در ظرف خودش وجود داشت و از طرفی قدرت نیز عقلی است و با تهیه مقدمات قدرت عقلی محقق می شود در این موارد عقل حکم به اتیان مقدمات می کند.

۱ اجود التقریرات، نائینی، ج ۱، ص ۱۵۰.

صورت دوم: قدرت دخیل در ملاک است مثل باب غسل و وضو. آیه شریفه غسل و وجوب کنایه از قدرت بر آن دو است. قدرت، قدرت شرعی است. یعنی اگر قدرت نباشد وضو و غسل ملاک ندارد ولی این قدرت مطلق است یعنی هر گاه قدرت بر غسل و وضو وجود داشت، باید امتثال شود. قبل از وقت، قدرت بر امتثال وجود دارد و فرض این است که قدرت مطلق اخذ شده است پس عقل حکم به اتیان مقدمات می‌کند. وقتی قدرت مطلق محقق بود، ملاک در ظرف خودش محقق است و تفویت ملاک قبیح است و استحقاق عقوبت دارد. زیرا صرف الوجود قدرت پیدا شد پس تکلیف مولا فعلی است. معنایش این است که قدرت دخیل در ملاک هست و قبل از وقت هم صرف الوجود قدرت محقق شده است پس ملاک در ظرف خودش فعلی است و عقل می‌گوید ملاک فعلی را باید تحصیل کرد.

صورت سوم: قدرت شرعی است ولی قدرت مطلقه نیست بلکه قدرت بعد از حصول شرط وجوب است. مقدمه وجوبیه است. مثلاً در باب حج اگر شرط وجوب محقق شد قدرت بر حج در موسم موجب ملاک دار شدن حج می‌شود. قدرت مطلقه نیست. چون قدرت بر حج در موسم و خاصه است (یعنی بعد از استطاعت) قبل از استطاعت، واجب نه الان فعلی است و نه در ظرف خودش فعلی می‌شود. در این صورت باید تفصیل داد: اگر شرط وجوب محقق است (قدرت بر حج در موسم به تهیه مقدمات) غرض در ظرف خودش فعلی است و لازم است که مقدمات فراهم شود. اما قبل از استطاعت، ملاک حج در موسم فعلیت ندارد. هر چند نسبت به سائر مقدمات، قدرت مطلق باشد.

صورت چهارم: قدرت در زمان واجب به صورت اتفاقی اخذ شده است. آیه شریفه وضو نیز در واقع از همین قسم است. اذا قمتم الى الصلاة کنایه از اذا وجبت الصلاة و اذا زالت الشمس است. یعنی وقتی زوال شد و قدرت هم داشتی (قدرت خاصه. این مطلب را مرحوم آخوند هم مطرح کرده بود. یعنی قدرت در زمان واجب) قدرت در زمان واجب دخیل در ملاک است. اگر قبل از زمان واجب قدرت وجود داشته باشد، سبب فعلیت ملاک واجب نمی‌شود. قدرت بعد از آمدن وجوب شرط است. پس تحصیل قدرت قبل از زمان واجب، لازم نیست زیرا لازم نیست که قبل از زمان مکلف کاری کند که فعل ملاک دار شود. حفظ قدرت هم قبل از وقت واجب نیست زیرا لازم نیست که مکلف کاری کند ملاک در زمان خودش فعلی بشود. بلکه مکلف می‌تواند کاری کند که فعل در زمان خودش ملاک دار نشود. لذا در قسم چهارم گفته است: طبق قاعده الامتناع نمی‌توان گفت که مقدمات مفوته واجب هستند. زیرا قاعده در این جا مصداق ندارد چون وقتی وضو گرفته نشود یا حفظ وضو نشود، نماز در وقت خودش ملاک دار نمی‌شود تا ملاکی فوت شود. وقتی ملاک پیدا می‌کند که در زمان واجب قدرت وجود داشته باشد. پس در این قسم اگر مقدمات مفوته ترک شوند، فعل ملاک دار نمی‌شود و اساساً تفویت ملاک نشده است.

کلام مرحوم نائینی فقهی تر است و تمام موارد مشکل را حل می‌کند. ایشان در ادامه می‌فرماید: در باب وضو و غسل قدرت خاصه شرط است، لازمه اش این است که قبل از دخول وقت مکلف می‌تواند خودش را جنب کند با این که می‌داند که در وقت قدرت بر آب ندارد. این لازمه اشکالی ندارد.

بعد فرموده است: یک استثناء در این جا وجود دارد و آن عبارت است از این که اگر آب دارد نمی‌تواند اراقه کند. ممکن است در مقدمات مفوته نسبت به بعضی از آن ها قدرت خاصه باشد و نسبت به بعضی قدرت مطلقه شرط باشد. مثلاً جنابت و حفظ ووضو و وضو گرفتن به حکم آیه شریفه وضو قدرت خاصه شرط است ولی نسبت به اراقه آب نص داریم که جایز نیست هر چند ظاهر آیه این است که اراقه جایز است. پس نسبت به اراقه تبصره ای قائل می‌شویم. چون نص وجود دارد. البته این کلام مقداری استبعاد دارد. قبل از وقت آب وجود دارد و مکلف هم می‌توان وضو بگیرد و می‌داند که در وقت قدرت بر وضو گرفتن ندارد، در این جا مرحوم نائینی می‌فرماید می‌تواند وضو نگیرد ولی اگر همین حالت نسبت به اراقه آب در نظر گرفته شود، نص وجود دارد که اراقه جایز نیست.

نتیجه: در صورت اول و دوم عقلاً مقدمات مفوته وجوب دارند و در صورت سوم تفصیل و در صورت چهارم هم مقدمات مفوته وجوب ندارند. به این صورت اشکالات مقدمات مفوته را حل کرد. نسبت به اراقه که بحث نص را مطرح کرد و نسبت به تهیه مقدمات سفر نیز مشکل را حل کرد.

به نظر ما ادعای مرحوم نائینی، همان فرمایشان مرحوم شیخ در مطارح است. هر چند که شیخ به این شفافیت بحث را مطرح نکرده است. از یک طرف مرحوم نائینی قائل به واجب معلق نیست و در واجب مشروط نیز تصریح می‌کند که وجوب فعلی نیست بلکه مشروط به شرط متاخر است. مرحوم شیخ نیز همین ادعا را دارند. ایشان می‌فرماید: وجوب ذی المقدمه فعلی نیست و حاکم در باب عقل است. عقل می‌گوید: مواردی که وجوب در طول زمان محقق می‌شوند نباید مکلف خودش را قبل از آن عاجز کند.

همه مطالبی که مرحوم نائینی به صورت شفاف می‌فرماید، همین مطالب را مرحوم شیخ به صورت پراکنده فرموده است.<sup>۱</sup> خلاصه ادعا این است که وجوب ذی المقدمه فعلی نشده است و حاکم در این جا عقل است و عقل می‌گوید: مقدمه ای که الان وجوب ذی المقدمه اش فعلی شده است باید امتثال شود و همچنین مقدمه ای که وجوبش در طول زمان می‌آید هم باید امتثال شود و اگر نیاید به خاطر عجزی است که از ناحیه خود مکلف حاصل شده است.

<sup>۱</sup> مطارح الانظار ج ۱ ص ۲۶۱

ادعای مرحوم نائینی که فرموده است: عقل حکم می‌کند باید مقدمات مفوته امتثال شود، ادعای متینی است. مقدمات مفوته نیاز به وجوب فعلی ندارند تا مرحوم صاحب فصول بخواهد با واجب معلق آن را حل کند یا مرحوم آخوند با شرط متاخر آن را حل کند. در ذهن مرحوم صاحب فصول و مرحوم آخوند قاعده تبعیت بوده است و این گونه مشکل را خواسته اند حل کنند در حالی که قاعده تبعیت اساسی ندارد. عرفا این گونه است که اگر مولا به عبدش بگوید فردا به مسافرت می‌رویم و عبد می‌داند که فردا قادر بر امتثال مقدمات نیست و ذی المقدمه فوت می‌شود، باید قبل از سفر مقدمات را تهیه کند. عرفا اگر عبد مقدمات را انجام ندهد، و از سفر باز بمانند، عبد را مستحق عقاب می‌دانند.

عقل حکم می‌کند با ترک مقدمات مکلف نمی‌تواند خودش را عاجز کند هر چند که اگر عجز محقق شد تفویت صورت گرفته است و دست مولا بسته می‌شود و دیگر نمی‌تواند خطاب داشته باشد

اما اینکه با این حکم عقل کشف وجوب شرعی شود، درست نیست و نیازی هم به آن نداریم. وجوب شرعی آن مهم نیست چون وجوب غیری است و استحقاق عقوبت ندارد. استحقاق عقوبت برای ترک ذی المقدمه است که اگر مکلف خودش را عاجز کند، وجود دارد. هر چند که خود شارع در بعضی موارد واجب کرده است. مثل وجوب غسل جنابت قبل از طلوع فجر. این که مرحوم نائینی در ذیل کلامش تفصیل بین اراقه آب و توضا به خاطر نص خاص بیان کرده است، مرحوم خویی فرموده است نصی نداریم. مرحوم خویی فرموده است 'ما نص را از مرحوم نائینی مطالبه کردیم و ایشان فرموده است نص خاصی در مورد اراقه آب نداریم.

در فقه ما بحث کردیم که نص خاص نداریم که مفادش این باشد که اراقه آب جایز نیست. اما مفاد روایاتی که مضمونشان این بود که آب را باعلی قیم بخر شاید در ذهن مرحوم نائینی بوده است. شریعتی که می‌گوید آب را بخر، عرفیت ندارد که بگوید آب را بریز.

پس اراقه آب قبل از وقت جایز نیست اما تفصیل (اگر قبل از وقت قدرت بر وضو داشت و در زمان واجب قدرت نداشت می‌تواند وضو نگیرد اما در بحث اراقه قائل به عدم جواز شده بود) مرحوم نائینی را قبول نداریم. این تفصیل نیز عرفیت ندارد. همان طوری که از اشتراء آب به عدم جواز اراقه تعدی می‌کنیم، به موردی که قدرت بر وضو گرفتن قبل از وقت دارد نیز تعدی می‌کنیم و می‌گوییم باید وضو بگیرد.

**نتیجه:** مقدمات مفوته لزوم اتیان عقلی دارند. اما این که وجوب شرعی هم داشته باشد، ما اشکال داریم.

مطلبی که قابل توجه این است که مرحوم آخوند و مرحوم نائینی یک مورد را از لزوم اتیان خارج کردند و آن موردی است که قدرت خاصه باشد. مشکلی که در این مسئله وجود دارد این است که از کجا کشف کنیم که قدرت خاصه است یا مطلقه؟ ادامه بحث در جلسه آینده.